



Essays in
Philosophy and Kalam

Vol. 51, No. 1, Issue 102

Spring & Summer 2019

DOI: <https://doi.org/10.22067/philosophy.v51i1.54234>

جستارهایی در
فلسفه و کلام

سال پنجاه و یکم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۲

بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۳۵-۵۰

بررسی مقایسه‌ای مسئله خواب و رؤیا در شعاع اندیشه ملاصدرا و علامه طباطبائی*

دکتر اعلیٰ تورانی

دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

Email: toran@alzahra.ac.ir

چکیده

صدرالمآلهین شیرازی و علامه طباطبائی بنا به رویکرد متعالیه خویش به عالم خواب به عنوان یکی از عوالم غیر قابل انکار هستی نظر داشته و با نگاه تفسیری و فلسفی خود از ماهیت آن سخن گفته‌اند. در چنین رویکردی، عالمی که نفس در عالم خواب بدان وارد می‌شود، برزخ یا مثال نام دارد که عالمی است روحانی و همانطور که حواس به منزله روزنه‌هایی به عالم شهادت‌اند، قوه خیالیه انسان، به منزله دریچه آن شمرده می‌شود؛ اما جدایی روح از بدن و سیر روح در عالم مثال یا عقل به تناسب میزان ارزش و استعداد آن، مهم‌ترین مشخصه‌هایی است که علامه در تبیین فرآیند خواب بدان قائل است و آن را شاهدهی بر مسئله غیریت نفس و بدن و مجرد بودن عالم نفسانی و خواب می‌گیرد. وی در این خصوص ذیل تفسیر آیاتی به بحث پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: عالم خواب، عالم مثال، خیال، ملاصدرا، علامه طباطبائی.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰، تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸.

Comparative Study of Dream and Fantasy in Views of Mulla Sadra and Allame Tabatabai

Dr. A'la Turani

Associate Professor at Al-Zahra University

Abstract

In light of their transcendental approach to the world of dreams, Sadr-ol-Mote'allehin Shirazi and Allameh Tabatabai have considered dream world as one of the undeniable realms of existence, while adopting an interpretive and philosophical outlook in discussing its nature.

According to this approach, the world in which one enters during dream is called Barzakh or imaginal world, which is spiritual in nature. As human senses represent apertures to the visible world, the imagination faculty of man serve as a window to this world.

However, the separation of the soul from body and the roaming of the soul in the imaginal world or reason proportionate to its value and potentials, are the most important features cited by Allameh in explaining the process of sleep. He raises it as a proof for the otherness of the soul and body and the abstract nature of the material and dream world. Allameh has discussed this issue in his interpretation of Quranic verses.

Keywords: World of sleep, Imaginal world, Fantasy, Mulla Sadra, Allameh Tabatabai.

مقدمه

اغلب ما انسان‌ها با خواب به عنوان پدیده‌ای که بخشی از زندگی آدمی را در بر می‌گیرد و نقش چشمگیری در سلامت انسان دارد آشنا هستیم و می‌دانیم به طور طبیعی اثراتی که در طول خواب بر روی بدن شخص روی می‌دهد عبارت‌اند از: ۱- در ابتدای خواب، آگاهی کم می‌شود و به تدریج از بین می‌رود. ۲- شعور انسان به طرف کندی می‌رود. ۳- حرکات ارادی انسان ابتدا ضعیف و سپس به کلی از بین می‌رود (محقق، ۴).

در باب اهمیت تأثیر خواب بر روی سلامت انسان هم باید گفت که روان‌پزشکان، همواره برای حفظ تعادل روحی بیماران خود، در پی تنظیم خواب ایشان هستند. برخی از روان‌شناسان همانند دکتر فرانک، روانکاو و محقق آمریکایی، مجموعه آثار رؤیا را در شش فایده اینچنین بیان می‌کنند: ۱- رویاهای برآورنده آرزوها ۲- الهام‌بخش انسان‌ها ۳- پرورش دهنده عاطفه‌ها ۴- زمینه‌ساز رهایی افراد از غم‌ها ۵- بازگشت دهنده آدمی به طفولیت و ۶- سرکوب کننده تمایلات نامطلوب کودکی که همگی در آینه ارضای درونی از بین می‌رود (فرانک، ۶۵ به نقل از لقمانی، ش ۳۸/۱۰۸).

اما نگاهی عمیق‌تر به پدیده خواب ما را با سؤالات مهم دیگری راجع به آن مواجه می‌سازد: به راستی ماهیت خواب چیست؟ عالم خواب چه ویژگی‌هایی دارد؟ و به بیان دیگر، ما در خواب به کجا سفر موقتی داریم؟ رابطه رؤیا و واقعیت چیست؟

پرسش‌های مذکور، ما را بدین نگاه کلی رهنمون می‌سازد که بحث از خواب از دو جنبه قابل بررسی است: یکی خود خواب‌هایی که دیده می‌شوند؛ که در اینجا بحث‌هایی چون ماهیت این خواب‌ها و کیفیت و علل آن‌ها و بحث از تعبیر خواب‌ها وجود خواهد داشت. برای نمونه در مورد این جنبه از بررسی مسئله خواب یعنی بررسی ماهیت خود خواب‌ها، باید بگوییم فرضیه‌های علمی گوناگونی در حوزه زیست‌شناسی در باب علت خواب ذکر شده است: ۱- فرض شیمیایی: در این فرض گفته می‌شود، خواب به وسیله مواد حاصل از خستگی، عارض می‌شود. ۲- فرض قوه‌ای: که می‌گوید، خواب به خاطر خستگی نورون‌ها و ... حاصل می‌شود. ۳- فرض راجع به دوران خون: طبق این فرض، وقتی که شریان‌های خارجی و سطح بدن متسع گردد، خون دماغ کم می‌شود و این کمخونی موقتی، سبب خواب می‌شود. ۴- فرضیه‌ای که می‌گوید، به واسطه جمع شدن ذراتی بر روی شعب و متفرعات سلول‌های عصبی مخ، موقتاً انقطاعی حاصل می‌شود و سبب قطع موقتی فعالیت دماغی شده و خواب پدیدار می‌شود. ۵- در این فرضیه گفته می‌شود، غریزه و تمایل فطری است که در موقع تولد با انسان موجود بوده و با وجود هستی او عجین و مخلوط است (محقق، ۱).

اما جنبه دوم بررسی عالم خواب که در این بحث، ویژگی‌ها و ماهیت عالمی که انسان در خواب به آن وارد می‌گردد، دنبال می‌شود. در این نگاه عمیق‌تر، مسئله خواب یکی از جذاب‌ترین موضوعاتی گردیده که ذهن بسیاری، از جمله، فلاسفه و روانشناسان را به خود مشغول کرده است. مقاله حاضر در راستای نگاهی فلسفی، در صدد است تا نسبت به ماهیت عالم خواب، شناخت نسبتاً دقیق‌تر و کامل‌تری بیابد و حتی المقدور پاسخی را برای سؤالات فوق بیابد.

صدرالمتألهین فیلسوف و متأله بزرگ قرن یازدهم هجری قمری که بخش قابل توجهی از مطالعات عقلی خود را به پژوهش پیرامون عالم خواب و تحلیل رؤیا اختصاص داده، و علامه سید محمد حسین طباطبایی که فیلسوف پیرو مکتب ملاصدرا است و در این مسئله با بحث‌های عقلی و تفسیری خویش، صاحب نظر است، نمایندگان بررسی موضوع مذکور در این پژوهش هستند. این پژوهش در صدد بررسی آن است که دریابد نگاه فلسفی علامه در سایه قرآن و روایات، چه تفاوتی با نگاه فلسفی ملاصدرا که ایشان هم معتقد به قرآن و روایات بوده‌اند، داشته است. لازم به ذکر است دو حکیم مذکور کسانی هستند که رویکرد مثبت به مسئله عالم خواب داشته و با این اعتقاد که خواب‌ها دارای حقیقت روشنگری هستند، سعی کرده‌اند به تجزیه و تحلیل آن عالم بپردازند.

دیدگاه ملاصدرا

۱- ماهیت عالم خواب

ملاصدرا خواب را چنین تعریف می‌کند: خواب به معنی انتقال روح بخاری از ظاهر به باطن است. مراد او از روح در این بحث، همان جوهر بخاری است که مرکب قوای نفسانی است. به اعتقاد صدر، این روح به سبب عروق و رگ‌ها به باطن بدن رسیده و گاهی در باطن حبس می‌شود و به دلیل کثرت حرکات و طلب استراحت اعضای بدن، در باطن اثر می‌گذارد و در این هنگام است که خواب بر فرد غلبه می‌کند (المبدأ و المعاد، ۶۷).

در توضیح دیدگاه ملاصدرا در مورد ماهیت عالم خواب باید گفت، او در آثار خود از سویی اشاره بر وضعیت نفس و بدن انسان در هنگام خواب دارد و در این زمینه به طور کلی می‌گوید که در آن هنگام که انسان خواب است، بدن و توانایی‌های آن رو به ضعف می‌نهد؛ اما این ضعف بدن عاملی برای ضعف و سستی نفس نیست؛ بلکه بالعکس، نفس در هنگام خواب قوی‌تر و تواناتر می‌شود؛ لذا بسیاری از حالاتی را که در بیداری به جهت اشتغال به امور جسمانی از آن غافل بوده را مشاهده می‌کند و بر برخی از امور غیبی مطلع می‌شود. و به طور کلی در نگاه صدر، در این حال است که نفس مجالی برای اتصال به جواهر

عقلی می‌یابد و آماده پذیرش صور از این جواهر می‌شود (ارشاد ریاحی، و زارع، ش ۱۴/۹۰). رؤیاهای صادقه که اکثر ما با آن مواجه شده‌ایم، به اعتقاد صدرا، شهادی بر این ادعا است. لازم به ذکر است ملاصدرا از این مسئله که ضعف بدن در حالت خواب، نه تنها موجب ضعف نفس نمی‌شود بلکه آن را تقویت می‌کند، استفاده کرده و بر بقای نفس استدلال می‌کند و نتیجه می‌گیرد که نفس می‌تواند وجودی مستقل از بدن داشته و موت بدن، موت نفس را در پی نداشته باشد (المبدأ و المعاد، ۴۲۸؛ پهلوانیان، ۱۸۰). ملاصدرا همچنین خواب را نخستین مرتبه از مراتب آخرت می‌داند و چنین بیان می‌کند: «دنیا، عالم شهادت و ملک و آخرت، جهان غیب و ملکوت است و انسان از دو بخش ترکیب یافته است: بدن عنصری که از عالم دنیاست و روح که از عالم آخرت است. آخرت دارای درجات بسیاری است که برخی از درجات بر دیگری برتری دارد و نخستین درجه از درجات آخرت، حالت خواب است و سپس حالت مرگ و پایان آن، بعث و برانگیختن است. پس خواب، نوعی بازگشت به آخرت است.» (شرح اصول الکافی، ۴۲۵). بدین ترتیب صدرا در مورد مرتبه بالاتر از خواب که مرتبه مرگ است، نیز معتقد می‌شود که نفوس پس از انعدام صورت نفسانی، نحوه وجود عقلانی یافته و با عقل فعال متحد می‌گردند؛ به گونه‌ای که دیگر تعلق به امور مادی و جسمانی نداشته و به استخدام ماده برای نیل به کمالات خود نیازمند نیستند. در واقع در نگاه او، نفس پس از مرگ، نشئه طبیعی خود را از دست داده، وارد نشئه عقلانی می‌گردد و این نشئه حداقل برای برخی نفوس به عنوان مجرد تا ابد باقی است (مصباح یزدی، ۳۸۲/۲؛ پهلوانیان، ۱۸۱).

اما برای تبیین کامل‌تر دیدگاه صدرا راجع به کیفیت خود عالم خواب، لازم است در ابتدا اقسام عوالمی که ایشان بدان قائل است را روشن سازیم تا دانسته شود که منظور صدرا از عالم خواب، کدام یک از این عوالم است؟ به اعتقاد ملاصدرا، عالم‌های سه‌گانه و مشاعر ادراکی در سه قسم منحصراند: حس، تخیل و تعقل. و هر یک از آن‌ها نیز دارای عالمی هستند. پس خداوند وجود نشئه‌های سه‌گانه و عالم‌های سه‌گانه را خلق کرد: دنیا، برزخ، و آخرت. صدرا در اینجا می‌گوید: «جسم و عوارض آن از دنیا است و ادراک آن نیز با حس ظاهری است؛ و نفس و عوارض آن از برزخ است و ادراکش به حس باطن است؛ و عقل و معقول از آن آخرت و عالم امر است و ادراکش با عقل قدسی است.» (شواهد الربوبیه، ۲۳۵ - ۲۳۶).

عالم خواب؛ عالم مثال یا برزخ: پس از آشنایی با عوالم سه‌گانه، لازم به ذکر است، از تدبیر در آراء ملاصدرا بدین جا می‌رسیم که ویژگی‌هایی که ایشان در مورد عالم خواب بیان می‌دارد، ناظر به عالم برزخ یا نام دیگر آن، چنانکه در ادامه مشخص خواهد شد، عالم مثال است. به بیان روشن‌تر، یکی از مصادیقی که صدرا در آن از ویژگی‌های عالم خواب سخن می‌گوید و از آن اشاره به عالم برزخ می‌نماید، آنجاست که در باب احوال یک بیمار سخن می‌گوید. به گفته او: به وضوح می‌بینیم که وقتی بیماری می‌خوابد و در عین

حال، از علائم حیاتی برخوردار و دارای حس بوده و زخم و ناراحتی که با آن دچار درد و رنج می‌شود، نیز موجود است، اما با وجود این، دردی احساس نمی‌کند. علت این است که صاحب درد، روی از عالم شهادت به عالم برزخ نهاده و در نتیجه خبری از درد ندارد. آنگاه که بیمار بیدار شود و به عبارت بهتر به عالم شهادت برگردد و به مقام حواس فرود آید، دردها و رنج‌ها دوباره سر بر می‌آورند؛ و اگر با جملگی حالات خود، در برزخ باشد، یا در رؤیای کابوس مانندی است که در این صورت رنجور، و یا در رؤیای خوش و لذت بخشی است، که در این صورت مفرح می‌شود (شواهد الربوبیه، ۳۴۲). اکنون در ادامه با عالم برزخ یا مثال که دانستیم بنابر دیدگاه ملاصدرا نفس در هنگام خواب روی بدن دارد، بیشتر آشنا می‌شویم. توضیح آنکه، یکی از مباحث مهم فلسفه ملاصدرا، اثبات عالم مثال و تجرد خیال است. عالمی که در میان حکمای اسلامی، حکمای مشاء و خود ابن سینا، وجود آن را منکرند. ملاصدرا این عالم را واسطه میان عالم جبروت و عالم ملک و شهادت دانسته و آن را یک عالم روحانی معرفی می‌کند. البته بر آن است، عالم مثالی خیال با وجود اینکه واسطه میان عالم عقل و ماده است، اما در پیدایش خویش و موجوداتی که در او وجود دارند، استقلال را از این دو عالم حفظ می‌کند. همچنین بنا بر دیدگاه ملاصدرا، عالم مثال عالمی است که صورت‌های خیالی و روح‌های نامرئی در آن قرار گرفته‌اند. به علاوه جایگاه «طبیعی» برای تمام صورت‌های خیالی است؛ و بدینگونه خود همزمان ضامنی می‌شود هم برای عالم واقعی و هم برای عالم خیالی و تنها، بازتاب یا سایه‌ای از واقع نیست. همچنین بنا بر این تلقی، به اعتقاد ایشان، خیال خود، نه یکی از لواحق معرفت بلکه مبدئی وجودی می‌شود. بدینسان ملاصدرا، از این سخن متأثر پیامبر (ص) پیروی می‌کند که خواب را تعمیم می‌دهد تا شامل هر چه ما در بیداری می‌بینیم یا نمی‌بینیم، و همه چیز خواب در خواب و خیالی در خیال بشود. لازم به ذکر است صدرا از این نظر، نزدیک‌ترین موقعیت را نسبت به پست مدرنیسم دارد (المصباحی، ۲۳۰ - ۲۳۱).

اما در باب نحوه پیوند عالم مثال با عالم خواب باید گفت، چنانکه دانستیم، ملاصدرا بر این عقیده است که خواب، پدیده‌ای است که طی آن نفس به نحوی خاص با عقول مجرد و یا عالم مثال پیوند می‌خورد. از نظر این فیلسوف، چگونگی اتصال نفس به عالم مثال و عقول مجرد در هنگام خواب، چنین تبیین می‌شود که روح هرگاه در باطن حبس گردد و حواس دچار رکود شود، مستعد اتصال به جواهر روحانی عقلی می‌شود که نقوش جمیع موجودات در آن حاصل است و یا مستعد اتصال به جواهر نفسی (برازخ علوی) می‌شود که صور مادیات در آن‌ها منقوش است و چون نفس به آن جواهر متصل گردد، نقوش صور اشیاء را که در آن جواهر است، قبول می‌کند (شواهد الربوبیه، ۳۴۶). در توضیح سخن صدرا می‌توان گفت که انسان علاوه بر بدن مادی، یک «شبه بدن» نیز دارد که برزخ بین روح و ماده است و به آن

«بدن مثالی» می‌گویند. روح یا عقل یا نفس ناطقه در عالم بیداری، از بدن مادی و جسمانی استفاده می‌کند و در حالت خواب و رؤیا، بدن مثالی را به کار می‌گیرد (ارشد ریاحی، و زارع، ش ۱۷/۹۰). یکی از نکات مهمی که در آراء صدرا در زمینه عالم خواب وجود دارد، این است که این سیری که توسط روح در عالم مثال یا عقل واقع می‌شود، به تناسب ارزش و استعداد آن (روح) است. توضیح این مسئله این است که، بنابر دیدگاه ملاصدرا، اولاً نفس را مقامات بی‌شمار و نشئات و عوالم مختلف است که عبارت‌اند از نشأه حس و نشأه خیال و نشأه عقل، و ثانیاً خود نفوس هم در قوه و توانائی و ضعف و نارسائی و کمال و تمامی، متفاوت و گوناگون‌اند، و قوی‌ترین نفوس آن نفوسی هستند که آن‌ها را پرداختن به نشأه‌ای از نشأه دیگر باز ندارد، و اما برخی پایین‌تر از این مقام‌اند، و برخی در ضعف و ناتوانی در مرحله‌ای هستند که جز نشأه حسی که فعلیت داشته، و آنچه که از نشأه خیال آن را پی‌آورد، حاضر و موجود نیست چه رسد به حضور و موجود بودن صورت‌های عقلی (مفاتیح الغیب، ۳۲۰).

اما نکته دیگری که در باب ویژگی‌های عالم خواب در دیدگاه ملاصدرا به چشم می‌خورد، آن است که به گفته صدرا، ما از ذات خود در هیچ حالی، حتی در خواب نیز غایب نمی‌شویم؛ در حالی که از همه اعضای خود یا چند مورد از آن‌ها غافل می‌شویم (شواهد الربوبیه، ۲۲۲). بیان صدرا، چنین روشن می‌سازد که نفسی که در عالم خواب - که نزد صدرا از آن به عالم برزخ یا خیال یاد می‌شود، - وارد می‌گردد، بر وجود خود اطلاع دارد؛ یعنی ما در عالم خواب در هر صورت، از خود غافل نیستیم.

عالم خواب و قوه متخیله: مسئله مهم دیگری که در بحث تبیین ماهیت عالم خواب شایان ذکر است و از سخنان فوق نیز به دست می‌آید، آن است که قوه‌ای که در عالم خواب با آن مواجهیم، قوه متخیله است. خیال، صورت باقی مانده در نفس بعد از پنهان شدن جنبه محسوس آن است که همانطور که گفته شد، علاوه بر عالم بیداری، یکی از مواطن ظهور آن، عالم خواب است. ملاصدرا درباره جایگاه صورت خیال بر آن است که آن بر خلاف دیدگاه فلاسفه، در این جهان نبوده و آنچنان که آن‌ها پنداشته‌اند، در قوه‌ای از قوای کالبدی که به گفته ایشان بخش عقب درون نخستین (بطن اول) مغز است، نقش نیافته است. و همچنین چنانکه اشراقیان گمان برده‌اند که جدای از نفس و موجود در عالم مثال مطلق است، نیز نیست بلکه به گفته خود صدرا، صورت خیال موجود در جهان نفس انسانی است و بدان پیوستگی و اتصال داشته و بر پا به قیام و برپایی نفس بوده و تا هنگامی که نفس آن را حفظ نماید، محفوظ است و چون از آن غافل شد، آن صورت پنهان می‌گردد و چون اراده به بازگرداندنش نمود، همان صورت را در حضورش آماده می‌یابد. همچنین به اعتقاد صدرا، قوه خیالی که آن صورت را ادراک می‌نماید نیز جوهری است که از این جهان و اجسام و اعراض آن مجرد و رها است و آن برخی از درجات نفس است که متوسط بین درجه حس

و درجه عقل است. زیرا چنانکه دانستیم بنا بر دیدگاه صدرا، نفس با آنکه بسیط است، دارای نشئات و مقامات گوناگون است. و آن نفس به حسب هر یک از آن مقامات در نشأه و عالم دیگری است (مفاتیح الغیب، ۳۲۲). لازم به ذکر است از نظر صدرا، انسان می‌تواند در نیروی متخیله خود، امور ممکن را حاضر کند که احضار آن در قوه حسی میسر نیست؛ آن هم به این دلیل که قوه متخیله، روحانی و در عالم غیب واقع است و قوه حسی، جسمانی و در عالم شهادت است. پس این قوه خیالیه به منزله دریچه‌ای به عالم غیب است، آنگونه که حواس به منزله روزنه‌هایی به عالم شهادت‌اند (شواهد الربوبیه، ۳۳۸). برای توضیح بیشتر در مورد قوه متخیله و رابطه آن با عالم خواب باید گفت، بنابر اعتقاد صدرا، قوه‌ای پس از مفارقت موقتی خود در هنگام خواب و همینطور هنگام مفارقت دائمی خویش از بدن، همراه نفس باقی می‌ماند، که آن قوه خیالی است که مقام و مرتبه آن آخرین سطح از درجات و مراتب نشئه طبیعی و اولین درجه از درجات و مراتب نشئه اخروی است. صدرا این قوه خیالی را جوهری منفصله الذات از بدن دانسته است (عرشیه، ۲۵۸) و بیان می‌دارد: «در زمان خواب بدن قادر است به واسطه این قوه مخیله، بدن شخصی خود را تصور کرده و در عین تعطیلی و رکود حواس و قوای جسمانی و آلات و ابزار ادراک، آن بدن را حس کند. چراکه نفس فی حد ذاته و بدون در نظر گرفتن بدن و اجزاء و قوای آن، نیروی شنوایی، چشایی، بویایی و بساویی دارد.» (الاسفار اربعه، ۴/۱۳۷) و به اعتقاد ایشان، نفس به وسیله آن، کلیه محسوسات غایب از این جهان را به نحو جزئی و با تمام ویژگی‌های محسوس ادراک کرده و در آن تصرف می‌کند (پهلوانیان، ۱۸۷). همچنین به عقیده ملاصدرا، متخیله پیوسته صوری را که اصلاً موجود نیستند اختراع و حکایت می‌کند و این صور در قوه حافظه مانده و وقتی انسان بیدار می‌شود، آنچه را در خواب دیده به یاد می‌آورد (ارشد ریاحی، و زارع، ش ۲۲/۹۰). به بیان دیگر می‌توان گفت، نیروی خیال در نگاه صدرا، جوهری است که به وصف تجرّد موصوف است؛ لیکن تجرّدش، از جهان خاک و عالم ماده است نه اینکه مانند فرشتگان، تجرّد داشته باشد؛ زیرا اگر مجرّد تام باشد، باید مانند فرشتگان، عقل صرف و خرد محض باشد. بنابراین طبق گفته صدرا، تجرّد نیروی خیال، برزخی است میان تجرّد تمام و مادّی تمام (عرشیه، ۴۶) و از سخن فوق، این مطلب نیز در دیدگاه صدرا درباره عالم خواب به دست می‌آید که وجود نیروی خیال، در جهانی است که از لحاظ صورت با این جهان مانند است، یعنی مانند این جهان دارای افلاک و عناصر و انواع حیوانات و نباتات و ... است؛ با این تفاوت که در برابر هر فردی از موجودات مادی این جهان، افراد بی‌شماری در جهان خیال یافت می‌شود (عرشیه، ۴۶ - ۴۷).

از آنچه تا بدینجا گفته آمد، به طور کلی روشن می‌شود که طبق بیان ملاصدرا، عالمی که نفس در عالم خواب وارد آن می‌شود، برزخ یا مثال نام دارد و دانستیم از جمله مشخصات این عالم این است که عالم

روحانی و عالم غیب نیز نام گرفته و همانطور که حواس به منزله روزنه‌هایی به عالم شهادت‌اند، قوه خیالیه انسان، به منزله دریچه عالم غیب شمرده می‌شود. در ادامه با ماهیت کلی خود خواب و رؤیا از منظر ملاصدرا آشنا خواهیم شد.

۲- ملاصدرا و ماهیت خواب و رؤیا

بر اساس آنچه تاکنون روشن شد، می‌توان به طور کلی چنین تعریفی از دیدگاه صدرا راجع به رؤیا ارائه داد: رؤیا امری ادراکی است و قوه خیال در آن مؤثر است (لقمانی، ش ۱۰۵ / ۲۴). ملاصدرا بر وجود دو قسم خواب اذعان دارد: یک قسم که عبارت است از رؤیاهای صادقه، که در باب آن معتقد است، نفس انسان مستعد آن است که همه حقیقت اشیاء، چه واجب و چه ممکن در وی تجلی کند و این عمل به گفته او، گاه در حال خواب رخ می‌دهد. توضیح آنکه بنا بر اعتقاد صدرا، در عالم خواب هنگامی که حجاب بین دو آینه عقلانی و نفسانی زایل شود، در این حال آنچه در لوح اعلی ثبت شده بر نفس آشکار می‌شود و نفس بر حوادث آینده آگاهی می‌یابد و با لطف خفی خداوند، از وراء ستر غیب، برخی غرایب اسرار ملکوت در قلب ایجاد می‌شود (صانع پور، ۱۳۰ - ۱۳۱).

بدین ترتیب بیانات فوق صدرا تأکیدی است بر آنچه پیش از این در باب عالم خواب بیان کردیم و آن اینکه عالم خواب، عالمی میان عالم نفسانی و عقلانی است که تجلیگاه حقایق اشیاء است و برای انسان در این عالم، این قابلیت هست که به نحو جزئی و موقت از برخی اسرار غیب آشنا گردد. نکته قابل توجه دیگر آنکه، علت مشاهده چنین حوادثی در نگاه صدرا، تعطیلی حواس در زمان خواب است و البته بنا بر نظر وی، مشاهده این واقعیات، آمیخته به امور خیالی و غیر صریح است (الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ۷ و ۱۱) و از این جهت از وحی متمایز می‌شود. اما در مورد تفاوت الهام با وحی باید گفت، در دیدگاه ملاصدرا، علوم در باطن انسان به وجوه مختلف حاصل می‌شود: گاه به طریق اکتساب و تعلم کسب می‌شود و گاه بر انسان هجوم می‌آورد و از جایی نا معلوم به او القاء می‌شود؛ خواه به دنبال طلب و شوق باشد یا نباشد؛ این علم قسم دوم، حدس و الهام نامیده می‌شود و مخصوص اولیاء است. اما گاهی نیز این علوم با اطلاع بر مسبب حاصل می‌شود یعنی ملکی که حقایق را از طرف خدا الهام می‌کند، مشاهده می‌شود. این ملک همان عقل فعال است و این القاء علوم، وحی نامیده می‌شود. به بیان دیگر گفته می‌شود که از افاضه و تابش عقل کلی، وحی به وجود می‌آید و از اشراق و تابیدن نفس کلی، الهام به وجود می‌آید. کوتاه سخن آنکه، تفاوت وحی و الهام نزد ملاصدرا، در شدت وضوح و نوریت و مشاهده ملک افاده کننده صور علمی است که بر اساس آن، وحی روشن‌تر و قوی‌تر از الهام است و اولی را دانش نبوی و دومی را لدنی یا موهبتی و ارثی می‌نامند که مانند تابشی است که از چراغ غیبی بر دل صاف از غیر حق می‌تابد

(مفاتیح الغیب، ۳۳۸). ملاصدرا در تفاوت خواب پیامبران و دیگران بر آن است که روح قدسی، فرشتگان را در بیداری مورد خطاب قرار می‌دهد و روح نبوت با آن‌ها در خواب معاشرت می‌نماید. صدرا در این خصوص می‌گوید: «بین خواب پیغمبران و خواب دیگران، لازم است فرق قائل شویم؛ زیرا خواب آنان همانند بیداری است، چنانکه فرمود پیامبر (ص): چشمانم می‌خوابد ولی قلبم را هرگز خواب فرا نمی‌گیرد.» (مفاتیح الغیب، ۱۸۳).

اما قسم دوم خواب‌ها نزد ملاصدرا، اضطراب احلام است. صدرا این نوع خواب را چنین تعریف می‌کند: خوابی که مشتمل است بر صورتی که نفس انسانی با شیطنت و اضطراب قوه متخیله ترسیم می‌کند و این صور، صرفاً ناشی از ایجاد نفس است و اصل و منشأ دیگری ندارد. این صورت‌ها، فاقد وجود عینی و ناشی از احوال بدن و مزاج آن است. در این حالت، نفس ضعیف شده و آمادگی اتصال به جواهر روحانی را ندارد (شواهد الربوبیه، ۴۰۵؛ ارشد ریاحی، و زارع، ش ۲۲/۹۰).

بنابراین صدرا تمایز این خواب‌ها از وحی را در ظهور صریح حقایق نزد نیروی متخیله در وحی می‌داند و در این زمینه بر آن است، اگر نیروی متخیله نتوانسته باشد از تجزیه و ترکیب صور خیالی، رها گردد و یا اینکه از صور حیوانی فارغ نشده باشد، آنچه شخص در خواب ملاحظه می‌کند، چیزی جز اضطراب احلام نیست؛ و اگر قوه خیال نتواند آنچه را که قوه عاقله در عالم عقل، مشاهده نموده، دقیقاً ضبط کند و با آن را با صور محسوس دیگر ترکیب نماید، آن خواب محتاج تعبیر است (مبدأ و معاد، ۵۹۵؛ شواهد الربوبیه، ۳۴۷)؛ اما در بررسی دیدگاه صدرا راجع به ماهیت خود خواب‌ها، می‌توانیم به مقایسه‌ای که وی میان فرآیند تخیل در رؤیا در جهان فعلی و عالم آخرت ارائه می‌دهد، نیز نظری داشته باشیم. صدرا المتألّهین در پاسخ به این پرسش که فرآورده تخیل در رؤیا در جهان طبیعی چه تفاوتی و چه مشابهتی با فرآورده خیال در آخرت دارد، بر آن است که وجه مشابهت میان آن‌ها این است که آنچه در خواب دیده می‌شود، مزاحم هیچ‌یک از هستی‌های این جهان نیست. شخص در خواب چه بسا کوه‌های بلند و افلاک بزرگ می‌بیند که با آنچه در این عالم است، مزاحمت ندارد. به همین سان، آنچه انسان بعد از مرگ می‌بیند، مزاحمت و مضایقتی میان آن و اجسام این عالم نیست. همچنین به اعتقاد صدرا، صورت‌هایی که در خواب دیده می‌شود، منشأ اثر نیست و این به دلیل آن است که جان در عالم و حالت خواب، هنوز به بدن اشتغال دارد و پیوسته در پی امور مادی می‌رود. اما وجه مفارقت ذاتی میان فرآیند رؤیا در خواب و آخرت نزد صدرا این است که سرای آخرت و صورت‌های واقع در آن، موجوداتی عینی هستند که از جهت نیرومندی و شدت تأثیر، برتر از موجودات عینی این عالم هستند؛ چه برسد به صورت‌هایی که در خواب مشاهده می‌شود (اعوانی، ۴۲۸ - ۴۲۹).

دیدگاه علامه طباطبایی

از آنجا که قسمت عمده دیدگاه علامه در مسئله خواب، در استنباط و تفاسیر وی از آیاتی که در قرآن راجع به پدیده خواب مطرح شده‌اند، روشن می‌شود، ما نیز نخست به این آیات اشاره کرده و رویکرد قرآنی را در این زمینه به نحو اجمال بررسی می‌کنیم. سپس در جهت تحقق هدف خویش در ضمن بررسی تفاسیر علامه ذیل آیات مربوطه، ویژگی‌های عالم خواب و خواب‌ها را از نگاه وی تبیین می‌سازیم.

۱- نگاهی به پدیده خواب در قرآن

در آیه الکرسی بیان می‌فرمایند که: «لا تأخذ سنة ولا نوم» (بقره: ۲۵۵) یعنی خواب در خود او هرگز راه نخواهد داشت. از اخبار نیز دانسته می‌شود وحی برخی از انبیاء در خواب بوده است. گفته می‌شود در بین همگان، رسول خدا بیشترین رؤیا را می‌دید و گاه در ثلث آخر شب یعنی ساعات آخرین استراحت، مشاهده می‌کرد. ویژگی خواب ایشان بدین گونه بود که از آنجا که اتصالی آشکار با ملکوت داشت، نیاز به تعبیر نداشت و آشکار بود (علامه مجلسی، ۱۸/۱۹۵ و ۶۱/۱۸۲).

از داستان خواب‌هایی که در قرآن ذکر شده‌اند می‌توان خواب حضرت ابراهیم (ع) در مورد قربانی نمودن اسماعیل (ع) (صافات: ۱۰۵)، خواب حضرت رسول درباره مسجد الحرام، خواب یوسف (ع) در ابتدای جوانی خویش (یوسف: ۴ - ۵)، داستان جنگ بدر و حضرت پیامبر اکرم (ص) (انفال: ۴۳) و همچنین خواب خاتم الانبیاء در مورد ورود به مکه و فتح آن را نام برد (محقق، ۲۵).

اما آیات دیگری نیز در قرآن کریم هستند که از پدیده خواب سخن گفته و علامه طباطبایی پیرامون آن‌ها، بحث‌های فلسفی و تفسیری داشته‌اند و دیدگاه خویش را در باب عالم خواب مطرح کرده‌اند که در ادامه بدان می‌پردازیم. برخی از آیات قرآنی که در آن‌ها از پدیده خواب سخن رفته است، عبارت‌اند از: ۱ - آیه ۲۳ سوره روم؛ در این آیه، خواب از آیات الهی معرفی شده است. ۲ - آیه ۶۰ سوره انعام؛ که در آن خداوند می‌فرماید: «او کسی است که روح شما را در شب می‌گیرد و می‌داند که در روز چه کرده‌اید» ۳ - آیه ۴۷ سوره فرقان: «او کسی است که شب را برای شما پرده پوشی و خواب را آرامش بخش گرداند و روز را مایه جنب و جوش ساخت» ۴ - آیه ۱۰ و ۱۱ سوره نبأ. ۵ - آیه ۴۲ سوره زمر: «خداوند جان‌ها را به هنگام مرگ انسان‌ها و نیز جان آنکس را که نمرده است، در خواب می‌گیرد؛ سپس آن را که مرگش را رقم زده است نگاه داشته و دیگری را تا زمانی معین گسیل می‌دارد.»

۲- عالم خواب در نگاه علامه طباطبایی

در بحث‌های علامه پیرامون آیات مذکور مشخصات برجسته‌ای چند در باب نگاه وی به عالم خواب نمایان می‌گردد:

جدایی روح از بدن، مهم‌ترین ویژگی عالم خواب: علامه در تفسیر خویش از آیه ۶۰ سوره مبارکه انعام^۱، کلمه (توفی) را به معنای گرفتن روح تفسیر کرده و البته با استناد به آیه ۴۲ سوره زمر^۲، آن را برای هر دوی خواب و مرگ قابل اطلاق می‌داند و می‌گوید: «در تمام جاهایی که توفی استعمال شده، بر همان گرفتن و نگهداشتن اطلاق شده و همانطور که می‌دانیم مرگ و خواب هر دو در اینکه رابطه نفس را از بدن قطع می‌کنند، مشترک‌اند.» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۳/۳۶۱ - ۳۶۲ و ۷/۲۰۴).

لازم به ذکر است که علامه در ذیل تفسیر آیه ۴۲ سوره زمر در باب ماهیت خواب بر این مسئله مهم نیز اشاره دارد که این بدن است که در حقیقت به خواب می‌رود و روح هرگز نمی‌خوابد و بنابراین قائل است در آیه مذکور «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا...»، کلمه ابدان در تقدیر است؛ بدین صورت که (لم تمت فی منام ابدانها) (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۷/۴۲۶)؛ اما از تفسیر علامه از آیه ۶۰ سوره انعام و آیه ۴۲ سوره زمر، دو نکته مهم دیگر نیز روشن می‌گردد: اولاً اینکه خداوند در آیه ۶۰ سوره انعام چنین فرمود که «شما را می‌گیرد»، و نفرمود که «روح یا جان شما می‌گیرد»، دلالت‌کننده بر این حقیقت است که حقیقت انسان همان روح انسانی است و چنین نیست روح جزئی از انسان یا صفت و هیئتی است که بر انسان عارض می‌شود (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۷/۲۰۵)؛ ثانیاً دال بر مسئله فلسفی غیریت نفس و بدن است؛ یعنی این مسئله را روشن می‌سازد که نفس آدمی غیر از بدن اوست؛ چراکه قادر است از بدن جدا شده و بدون آن موجود باشد (خرمشاهی، ۱/۱۰۱۱؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ۷/۴۲۷).

از نکته اخیر یعنی دیدگاه علامه مبنی بر وجود مستقل داشتن روح و ترکیب انسان از روح و جسم، می‌توان این نتیجه را به دست آورد که: روح نسبت به بدن، دارای سه حالت است: ۱ - ارتباط تام: که این در حالت بیداری است. ۲ - ارتباط ناقص: که این در هنگام خواب رخ می‌دهد. ۳ - قطع ارتباط: که این نیز در زمان مرگ است (مکارم شیرازی، ۱۹/۴۷۸).

کوتاه سخن آنکه، آنچه از ماهیت خواب نزد علامه تا بدینجا برای ما روشن می‌شود، آن است که موجودات واجد دو جنبه روح و جسم بوده و در عالم خواب این بدن است که به خواب می‌رود و در این هنگام روح از بدن جدا شده و در عالم دیگر که می‌خواهیم بدانیم کجاست و چه می‌کند، سیر می‌کند. شایان ذکر است، علامه ذیل آیات ۹ و ۱۰ سوره نبأ^۳ و نیز آیه ۲۳ سوره روم^۱ که در آن‌ها از «نوم» سخن

۱ «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»
 ۲ «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمِصْبِكِ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يُرْسِلُ الْأَخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

۳ «وَجَعَلْنَاكُمْ نُومَكُمْ سَبَاتًا (۹) وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰)»

به میان آمده، علی‌رغم اینکه از ویژگی مذکور پدیده خواب یعنی جدا شدن نفس از بدن، یاد می‌کند، بر آن است کلمه (سبات) می‌تواند به معنای قطع نیز گرفته شود و خواب قطع خوانده شود، و این بدان جهت است که در خواب، تصرفات نفس در بدن قطع می‌شود. البته به اعتقاد علامه، سبات به معنای راحتی و فراغت نیز می‌تواند باشد، و در این صورت، چنین تفسیر می‌شود که خوابیدن باعث آرامش و تجدید قوای حیوانی و بدنی می‌شود و خستگی ناشی از بیداری و تصرفات نفس در بدن را از بین می‌برد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۲۰/۴۲۰ و ۱۶/۲۶۵).

عالم خواب، عالم مثال و عالم عقل: علامه در تفسیر المیزان از وجود سه عالم به نام عالم طبیعت، عالم مثال و عالم عقل سخن گفته است. به اعتقاد او روح انسان به خاطر تجردی که دارد، در خواب با دو عالم مثال و عقل ارتباط پیدا می‌کند. از نظر علامه، عالم مثال، واسطه‌ای است میان عالم عقل و عالم ماده؛ و عالمی روحانی و غیر مادی است که از طرفی، به لحاظ داشتن مقدار (طول، عرض و ارتفاع)، شبیه جوهر مادی است؛ و از طرف دیگر، به دلیل تجرد از ماده، شبیه جوهر مجرد عقلی است. در اینجا علامه بر آن است به دلیل تجرد عالم مثال از ماده، آثار مواد جسمانی، از جمله حرکت و تجدد و کون و فساد، در این عالم تحقق ندارد. و خلاصه آنکه به گفته علامه، از آنجا که عالم مثال، پاره‌ای از ویژگی‌های عالم ماده و برخی از خصوصیات عالم عقول را داراست، به همین دلیل، واسطه و برزخی است میان این دو عالم (طباطبایی، نه‌ایة الحکمة، ۳۷۹). شایان ذکر است بنابر دیدگاه علامه، روح در عالم مثال یا عقل، به میزان استعداد و امکان، حقایقی را درک می‌کند. اگر روح کامل باشد، در فضای صاف حقایق را درک می‌کند و اگر در کمال به آخرین درجه نرسیده باشد، حقایق را در قالب‌های دیگر می‌بیند. به این صورت که مثلاً همانطوری که در بیداری، شجاعت را در شیر و حیله را در روباه و بلندی را در کوه می‌بینیم، در خواب، علم را در قالب نور، ازدواج را در قالب لباس و جهل و نادانی را به صورت تاریکی، مشاهده می‌کنیم. علامه در المیزان بر این مسئله تأکید دارد که اخلاق و سجایای انسانی، تأثیر زیادی در نوع تخیل رؤیایی انسان دارند. برای نمونه آن کسی که انسان یا عملی را دوست دارد، به طور مداوم در خواب و بیداری آن را تخیل می‌کند و می‌بیند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳/۲۷۰).

نکته مهم دیگری که در پایان بررسی دیدگاه علامه طباطبایی در باب ماهیت خود خواب و رؤیا جالب توجه می‌نماید، آن است که وی با نظر به روایتی از پیامبر اکرم (ص)، خواب و رؤیا را بر سه قسم می‌داند و در این زمینه می‌گوید: «خواب و رؤیا گاهی بشارتی از ناحیه خداوند است، گاه وسیله غم و اندوه از سوی شیطان و گاه مسائلی است که انسان در فکر خود می‌پروراند و آن را در خواب می‌بیند.» (طباطبایی، تفسیر

المیزان، ۳۱۸/۹). در این میان در نگاه علامه، خواب شیطانی تعبیر ندارد؛ اما خواب نوع اول یعنی خواب رحمانی که جنبه بشارت دارد، حتماً باید خوابی باشد که از حادثه مسرت بخشی در آینده پرده بر می‌دارد.

نتیجه‌گیری

از بررسی و مقایسه آنچه در این پژوهش گفته آمد، نکاتی چند روشن می‌گردد:

۱- جدا شدن موقتی روح مجرد از بدن و متصل شدن آن به عالم مثال و یا عالم عقل، از بارزترین و مهم‌ترین موضوعاتی است که درباره کیفیت عالم خواب در دیدگاه ملاصدرا و نیز علامه طباطبایی ارائه می‌شود. علامه در این خصوص بر آیاتی چون آیه ۴۱ تا ۴۴ سوره زمر اشاره دارد و با استناد بر آنها، بر آن می‌شود که خواب یک نوع «توفی روح» و جدایی روح از جسم؛ البته نه جدایی کامل است.

۲- در خصوص کیفیت عالم مثال، علامه طباطبایی بیشتر اشاره‌ای در باب تجرد آن و اینکه عالمی است که در آن از حقایق پرده برداشته می‌شود، دارند. لیکن ملاصدرا با تبیین فلسفی خود ویژگی‌های آن عالم را به نحو روشن‌تری آشکار می‌سازند. ایشان به طور کلی این عالم را یک عالم روحانی واسطه میان عالم جبروت و عالم ملک و شهادت و عالمی که صورت‌های خیالی و روح‌های نامرئی در آن قرار گرفته‌اند، دانسته و بر آن است عالم مثالی خیال با وجود اینکه واسطه میان عالم عقل و ماده است، اما در پیدایش خویش و موجوداتی که در او وجود دارند، استقلال را از این دو عالم حفظ می‌کند. شایان ذکر است قوه متخیله قوه‌ای است که بنابر دیدگاه صدرا، در عالم خواب با آن ارتباط خواهیم داشت. قوه‌ای که پس از مفارقت موقتی خود در هنگام خواب، همراه نفس باقی می‌ماند و به منزله دریچه عالم غیب شمرده می‌شود و مقام و مرتبه آن، آخرین سطح از درجات و مراتب نشئه طبیعی و اولین درجه از درجات و مراتب نشئه اخروی می‌باشد. همچنین نکته دیگر آنکه، قوه خیالیه انسان، از نگاه صدرا، صورت خیال موجود در جهان نفس انسانی است و بدان اتصال داشته و بر پا به قیام نفس است. بدین ترتیب از نظر صدرا، خواب هنگامی حاصل می‌شود که نفس از شواغل حسی فراغت یافته و حواس باطنی مانند عقل، وهم و خیال او شروع به فعالیت می‌کنند و به مشاهده عالم خیال منفصل می‌پردازند.

۳- هر دو فیلسوف بر این مسئله اذعان و تأکید دارند که کمیت و کیفیت این اتصال، یک سری شرایط و ویژگی‌هایی را می‌طلبد. به طوری که سیر روح در عالم مثال یا عقل، به تناسب ارزش‌ها و استعداد آن است و به میزان استعداد و امکان، حقایقی را درک می‌کند. در اینجا در حالی که علامه طباطبایی بر تأثیر اخلاق و سجایای انسانی، بر نوع تخیل رؤیایی انسان تأکید دارد، صدرا در بحث مبسوط فلسفی خویش از مقامات بی‌شمار و نشئات و عوالم مختلف نفس اعم از نشاء حس و نشاء خیال و نشاء عقل، سخن گفته و

بر آن است که خود نفوس در قوه و توانائی و ضعف و نارسائی و کمال و تمامی، نیز متفاوت‌اند، و قوی‌ترین نفوس نفوسی هستند که پرداختن به نشئه‌ای آن‌ها را از نشئه دیگر باز ندارد. بدین ترتیب این نفوس پاک‌تر و کامل‌تر به مشاهده عالم مثال بسنده نمی‌کند، بلکه به عالم عقول مجرد نیز وارد می‌شوند.

۴- همچنین در نگاهی کلی مشخص می‌گردد که ملاصدرا و علامه هر دو سبب خواب را در وجود نفس مجرد و عدم تعلق آن به بدن در هنگام خواب دانسته و در مورد فرآیندهای برآمده از آن بر آن‌اند، این عدم تعلق، در نفوس کاملان با دست یافتن به مبادی عالی، سبب مشاهده و مکاشفه می‌شود. در اینجاست که هر دوی ایشان از وجود رؤیاهای صادقه سخن می‌گویند. علامه طباطبایی رؤیاهای صادقه را پیام‌های خداوندی که دال بر وقوع حادثه‌ای در آینده است، معرفی می‌کند و نزد صدرا رؤیاهای صادقه که در مقابل اضغاث احلام، یکی از اقسام رؤیاهاست، اینچنین تبیین می‌یابد که، هنگامی که در عالم خواب، حجاب بین دو آینه عقلانی و نفسانی زایل شود، در این حال آنچه در لوح اعلی ثبت شده بر نفس آشکار می‌شود و نفس بر حوادث آینده آگاهی می‌یابد.

۵- و نکته آخری که با تأملی دقیق‌تر به دست می‌آید، آن است که بحث از عالم خواب و اعتقاد به امکان ارتباط آن با عالم واقع، مستلزم پذیرش این پیش‌فرض است که راه فهم و دانستن صرفاً منوط به محدودده حس و تجربه نیست و اشراق و الهام نیز راهی ارزشمند در کسب حقایق به شمار می‌آید. مسلماً ملاصدرا و علامه هر دو این پیش‌فرض را داشته‌اند و همین امر سبب شده تا عالم مجرد خواب که بحث از آن به نحو تخصصی، ناخودآگاه با حوزه فلسفی کلامی پیوند می‌یابد، در چارچوب جهان‌بینی این دو فیلسوف مورد توجه واقع گردد. در این میان در مقایسه دیدگاه ایشان باید گفت اگرچه مبانی و اصول دیدگاه هر دو فیلسوف مشابهت قابل توجهی را واجد است، لیکن می‌توان گفت بحث‌های صدرا در این موضوع به نحو تفصیلی‌تر و فلسفی‌تری نسبت به علامه مطرح می‌شود. در حالی که علامه بیشتر در حوزه آیات مربوطه مباحثی را به نحو اجمالی مطرح می‌سازند.

منابع

- ارشاد ریاحی، علی و فاطمه زارع، «بررسی تطبیقی رؤیا از منظر ابن عربی و ملاصدرا»، *مطالعات اسلامی - فلسفه و کلام*، سال ۴۵، شماره پیاپی ۹۰، بهار و تابستان ۹۲.
- اعوانی، شهین، «صدرالدین شیرازی و مسئله نفس و معاد»، *مجموعه مقالات همایش ملاصدرا*، تهران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۳.
- پهلوانیان، احمد، *رابطه نفس و بدن از نظر ملاصدرا*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، انتشارات ناهید، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

- صانع پور، مریم، *تجرد خیال در حکمت متعالیه*، تهران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۸.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الاسفار اربعه*، ج ۴، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۹۹۹ م.
- _____، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۲۰۰۲ م.
- _____، *المبدأ و المعاد*، مقدمه و تصحیح جلال الدین آشتیانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
- _____، *شرح اصول الکافی*، (کتاب فضل العلم و کتاب الحجّه)، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- _____، *شواهد الربوبیه*، ترجمه علی بابایی، انتشارات مولی، ۱۳۸۷.
- _____، *شواهد الربوبیه*، تصحیح جلال الدین آشتیانی، مشهد، مرکز الجامعی للنشر، ۱۹۸۱ م.
- _____، *عرشیه*، ترجمه غلامحسین آهنی، بی جا، بی نا، ۱۳۴۱.
- _____، *مفاتیح الغیب*، ترجمه محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
- _____، *نهایة الحکمة*، تعلیق و تصحیح عباسعلی زارعی سبزواری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ ق.
- لقمانی، احمد، «پژوهشی درباره خواب، رؤیا، تعبیر»، *پیام زن*، شماره ۱۰۵، آذر ۱۳۷۹ و شماره ۱۰۸، اسفند ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، قم، نشر فقه، ۱۳۸۵.
- محقق، محمد باقر، *خواب و بیداری و خواب دیدن از نظر علمی و دینی*، انتشارات بعثت، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *شرح جلد هشتم الاسفار اربعه*، جزء ۲، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
- مصباحی، محمد، «نزدیک شدن به خیال در دیدگاه ملاصدرا از منظر فلسفه پست مدرنیسم»، *مجموعه مقالات همایش بزرگداشت صدرالمتألهین*، ۱۳۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.